



بسم الله الرحمن الرحيم

خدا را سپاسگزاریم که از عمر بابرکت مجلس چهارم، یک سال مفید دیگر هم گذشت و ما مجدداً این توفیق را پیدا کردیم که دقایقی در خدمت مجموع شما خواهران و برادران - نمایندگان عزیز مجلس شورای اسلامی - باشیم. نظر بنده درباره مجلس چهارم این است که بحمدالله تا این تاریخ، مجلس چهارم کوشش بسیاری کرده است که خود را به اهداف والای نمایندگی از این ملت عزیز، بزرگ و عظیم الشان، و جایگاه حقیقی مجلس شورای اسلامی - چه آنچه که در قانون تصریح شده است و چه آنچه که لازمه آن هست - نزدیک کند و توفیق زیادی هم پیدا کرده است. خوب؛ در نظام ما، مجلس حقاً جایگاه متمتازی دارد. این حقیقتی است که در محیط اسلامی، رأی و خواست مردم، در مسیر، جهتگیری و منش عمومی نظام، تأثیر بنیانی و تعیین کننده ای دارد و باید داشته باشد. پس، این جایگاه بسیار والایی است. یعنی در حقیقت یکی از بزرگترین، مهمترین و حساسترین معایری است که نظم اسلامی، از آن به سمت هدفهای خود عبور می کند. مجلس شورای اسلامی، چنین شأن و جایگاهی دارد.

من چند خصوصیت را در این مجلس دنبال کرده ام. البته بعضی از آن خصوصیات، در مجالس گذشته هم بوده است. (خداوند نمایندگان دوره های قبل را هم اجر عطا کند و زحمات و تلاشهایشان را به فضل خود مقبول قرار دهد.) بعضی از این خصوصیات هم، از انحصارات این مجلس است. اینها را عرض می کنیم، تا هم مردم خوشحال شوند و حس کنند که بحمدالله، نمایندگان آنها چگونه عمل کرده اند و هم نمونه ای برای کارهای متمتازی که در یک مجلس شورای اسلامی باید انجام گیرد، باشد.

چند نکته است که بنده در نفس و ذهن خودم، روی آنها خیلی تکیه دارم و به آنها معتز و مسرورم. یکی این است که مجلس چهارم، سیاست را با اخلاق ممزوج کرده است و بحمدالله، سیاست را در جهت ضد اخلاقی نکشانیده است. لذا، شما مشاهده می کنید که در مجلس، درس اخلاق هست. مشاهده می کنید که در موضعگیریهای مجلس - چه موضعگیریهای سیاسی و مربوط به جناحهای مختلف فکری، چه موضعگیریهای کاری مربوط به لوايح، طرحها و گفتگوهای داخل مجلس و چه موضعگیری در مقابل مسؤولین - از زبان نماینده مجلس، اشاعه خلاف، گناه و ذکر سوء نمی شود.

بحمدالله، شما مسأله اعتبارنامه ها را که یکی از مسائل مهم بود، خیلی خوب حل کردید. این، چیز بسیار باارزشی است. لذا، تریبون کنونی مجلس، مطلقاً در میان مردم تشنج ایجاد نمی کند؛ بلکه حتی آرامش و سکوت هم به وجود می آورد. این، افتخار بزرگی است که شما دارید.

نکته دومی که در کار این مجلس مشاهده می شود، این است که ضمن این که مجلس با دولت خدمتگزار و بخصوص رئیس دولت و کارهای ارزشمندی که در دولت انجام می گیرد، همکاری دارد، نقش نظارتی خود را هم ایفا می کند، که یک مصداق آن، همین موضوع دیوان محاسبات است. من چه در آن وقتی که در مأموریت ریاست جمهوری مشغول بودم و چه غیر آن زمان، نسبت به دیوان محاسبات، خیلی تأکید و حساسیت داشتم. خوب، بحمدالله، دیوان محاسبات حالا فعال است و کارهایی از قبیل مسأله تفریغ بودجه، نظارت بر بعضی از کارهای مربوط به بودجه کشور و صرف و خرج پول و صرفه جویی را پیگیری می کند. این کارها واقعاً باارزش و خوب است. بدون شک، دولت سالم، خوب و خدمتگزار ما، از نقش مجلس خشنود است؛ چون مجلس در جهت اصلاح امور کشور و ضبط امور مالی - که جای ضبط و انضباط زیادی هم دارد - کمک دولت است.

سرفصل دیگری که بنده به خاطر آن، مجلس را در قلب خودم تحسین کرده ام، واکنش به موقع نسبت به مسائل حساس داخلی و خارجی است. مجلس در مسائل گوناگون - مثل مسأله فرهنگی ماهواره - غایب نیست. خوب؛ البته مسأله ماهواره جزو مسائل اصلی کشور نیست؛ بلکه یک مسأله موسمی، امّا مؤثر و حساس است. گاهی بعضی از مسائل، خیلی بنیانی اند؛ هرچند در زندگی مردم بروز و ظهور و تأثیر عاجلی ندارند. امّا بعضی مسائل، آن قدر هم



بنیانی نیستند؛ بلکه مسائل سطحی اند. مسأله ماهواره، مسأله ای سطحی است؛ اما تأثیرات زیاد و مخربی دارد. شما آن جا خودتان را فوراً رساندید و بنده از بیرون مجلس مراقبت می کردم. من مباحثات مجلس را گوش و دنبال می کردم؛ دیدم مجلس با وجدان بیدار و درک صحیح از مسأله ماهواره، با آن مواجه شد. در قضیه برخورد با سیاستهای متعزز استکبار جهانی، برخورد با دولت مستکبر امریکا و در همه دردها و هموم این ملت، حضور مجلس خیلی مهم است. چیزهایی که ملت به آنها اهتمام می ورزد، برای ملت مهم است. این هم یکی از آن سرفصلهای مهم است که یکی دو مثالش اینها بود. البته مثالهای زیادی هم دارد که حالا در صدد احصای آنها نیستیم. یک موضوع دیگر که انصافاً جای تقدیر دارد، همین «برنامه دوم» است که دولت با زحمت قابل تحسینی آن را تقدیم مجلس کرد و مجلس، حقاً، با این برنامه برخوردی جدی و فعال داشت. برنامه، یعنی قالب حرکت عمومی کشور. برنامه که امر کوچکی نیست! بودجه سالانه که نیست! برنامه، جهتگیری در همه مسائل است و اهتمام لازم دارد. مجلس هم اهتمام ورزید. من می دانم که مجلس، وقتی می بیند که نمی تواند کاری در وقت برساند، تأخیر می اندازد و بعد رسیدگی می کند. همه اینها، نشانه اهتمام است. مردم وقتی بدانند نمایندگان آنها این طور عمل می کنند، خوشحال می شوند. خوب؛ این مجلس ماست. حالا شما این مجلس را، با این وجدان بیدار، تلاش خوب، فعالیت بموقع و نگرش به مسائل معنوی، با مجالس فرمایشی گذشته این کشور در دوران طواغیت - که واقعاً نمی شود اسم مجلس بر آنها گذاشت - مقایسه کنید. واقعاً حیف است که انسان اسم مجلس را ملوث کند به این که آنها را هم «مجلس» بنامد؛ مگر آن دوره های اول. والا اسم مجلس شورا، برای آنچه که در دوران رژیم پهلوی - بعد از دوره چهارم مجلس شورای ملی سابق - گذشت، بسیار نامناسب است.

مجلس ما را با مجالس دنیا مقایسه کنید. انصافاً (حالا تا آن حدی که ما می شناسیم. اگر گوشه و کنار، مجلسی هست که ما خبر نداریم، آن بحث دیگری است) مثل این مجلس، از لحاظ توجه، دقت، اهتمام، وجدان بیدار، تلاش بجا و نگرش به مسائل معنوی، بنده سراغ ندارم. بحمدالله مجلس ما، با این خصوصیات، اولین مجلس دنیاست. در این وضعیت، نقش هیأت رئیسه و شخص رئیس محترم مجلس هم، انصافاً نقش ممتازی است. بنده قلباً خدا را شکر می کنم و ایشان را به طور مرتب و دائم، به خاطر همین اهتمام، و این که می بینم بحمدالله والمثه، این زحمات و تلاشها به نتایجی رسیده که برای کشور مؤثر است، دعا می کنم.

مبادا کسی خیال کند که «حالا ما در مجلس به این امر بپردازیم یا نپردازیم، در امر کشور چه تأثیری دارد؟» نه آقا! مجموعه همین رفتارهاست که منش کلّی مجلس را به وجود می آورد و منش کلّی مجلس، حرکت کشور را به سمت اهداف والای آن تنظیم می کند. خوب؛ اینها خصوصیات است که به خاطرشان باید خدا را شکر کنیم. شما عزیزان و مسؤولین مجلس هم، باید نسبت به آنها سپاسگزار باشید و از آنها تقدیر کنید.

نکته دیگر این است که بین مجلس شورای اسلامی و آحاد نمایندگان، فرق هست. یعنی اگر ما از مجلس شورای اسلامی ستایش می کنیم - که جای ستایش هم دارد - این بدین معنا نیست که این ستایشها، مال همه اعضا و نمایندگان مجلس است. نماینده، بایدها و نبایدهایی دارد. بعضی نمایندگان، به این بایدها و نبایدها، خیلی پایبندند و بعضی به طور متوسط پایبندند. شاید بعضی هم، خدای ناکرده، کمتر پایبند باشند. این بایدها و نبایدها را در امر نمایندگی باید در نظر گرفت. یکی از آنها این است که نماینده مجلس، چون نماینده این ملت عزیز است، باید عزت این ملت را حفظ کند. بالاخره انتساب به یک جای بالا و بزرگ، اقتضائاتی دارد. آن کس که فرضاً یک نوجوان معمولی در کوچه و بازار است، یک طور حرکت می کند. اما همین نوجوان، وقتی پسر فلان آقای محترم بود، مجبور است طوری دیگر حرکت کند؛ و ناچار، باید شؤنی را رعایت نماید و محدودیتهایی را بپذیرد. لذا اگر شما روشی را از پسر فلان آقا مشاهده کنید، به او ایراد می گیرید؛ اما همان کار را اگر از یک نوجوان معمولی در کوچه و بازار ببینید، می گوید «حالا نوجوانی است که کاری انجام داده است.»

خوب؛ ما نماینده ملّتی هستیم که حقاً و انصافاً مصداق آیه شریفه «کنتم خیر امّة اخرجت للناس» است. اگر ملتهای مظلوم دنیا بخواهند به کارنامه یک ملت نگاه کنند و نیرو بگیرند؛ احساس عزت و شرف کنند و درس بگیرند، باید به این ملت نگاه کنند. این، ملّتی است که مادر چهار شهیدش، احساس افتخار می کند که چهار شهید



در راه خدا داده است. این، ملتی است که جانباز و آزاده اش که ده، دوازده سال در زندان دشمن مانده است، به خاطر سربازی اسلام و قرآن، احساس افتخار می کند. اینها چنان مقامات بالایی است که اگر واقعاً در زندگی ما اتفاق نیفتاده بود، حق داشتیم باور نکنیم که می شود این گونه بود. کما این که خیلی از مجاهدتها، فداکاریها و بزرگ منشیهای صدر اسلام را، وقتی در گذشته در سخنرانیها و گفتارهای خصوصی، نقل می کردیم، بعضی - حتی گاهی خود گوینده هایش - ته دلشان خیلی باور نمی کردند که همه این جزئیات، همین طور اتفاق افتاده است؛ از بس بزرگ و با عظمت است. آنچه ما امروز می بینیم، واقعاً من به شما عرض می کنم که در صدر اسلام، در زمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، نمونه های نادری دارد. حتی بعضیش اصلاً نمونه ندارد.

این ملت، چنین ملتی است. ما اگر نماینده مجلس شدیم، نماینده این ملتیم. خوب؛ این ملت به این عظمت، جلالت قدر و عزت، از وقتی بنده خدا شد، سر در مقابل غیر خدا فرود نیاورد. شانزده سال است که این ملت به دنبال عبد صالح خدا حرکت کرده و همه قیود بندگی قدرتها، شخصیتها و مقامات را برای خاطر بندگی پروردگار، بریده است. پناه خودش را از همه قطع کرده و به خدای متعال پناه برده است. چنین ملتی، عزیز است. «عزّ جارک». ای خدای متعال! آن که به تو پناه می آورد، عزیز است. خدا پناه آورنده به خودش را وانمی گذارد. آن شأن لئام است که کسانی را که به آنها پناهانده می شوند و با آنها پیوند دوستی می بندند، در گرفتاریها رها می کنند. «اکرم الاکرمین» کسی را که به او پناه آورده است، عزیز می دارد؛ همچنان که خود او عزیز است. «عزّ جارک و جلّ ثنائک». همان طور که می گوئیم «جلّ ثناء الله»، همین طور هم می گوئیم «عزّ جار الله». باید این عزت حفظ شود. نماینده مجلس نباید خدای ناکرده یک وقت در مقابل کسانی که با این نظام دل همراه ندارند، یا فلان آدم طاغوتی که یک شاهي صئار پول در جیبش است - احیاناً فرض کنید در قضایای انتخابات یک خرج بیخود هم کرده است - سر فرو آورد. یا در مسافرت به حوزه انتخابی، یا فلان نقطه دیگر (احیاناً عرض می کنم. این مسائل ممکن است گاهی پیش آید) به جای این که شما را در حسینیة حزب الله و خانه فلان شهید ببینند، خبردار شوند که به خانه فلان آدمی که با انقلاب، نظام اسلامی و با اصل اسلام هیچ رابطه ای ندارد یا رابطه خوبی ندارد، رفته آید. این، حفظ عزت اسلام نیست.

خوب؛ این یکی از این بایدها و نبایدهاست. اینها، آن چیزهایی است که مورد توجه است. یا فرض بفرمایید یکی از مسائل مربوط به بایدها و نبایدهای این مجلس، این است که ذره ذره وقت آن، قیمت دارد. وقت نباید هدر برود. بدین صورت که مثلاً در وقت معین، سر این مأموریت حضور نداشته باشیم، یا در هنگام مباحثات، در مباحثات داخل نباشیم. فرض کنید، در حالی که شخصی به دفاع از مسأله ای می پردازد و دیگری رد می کند، ما برای خودمان مشغول مطالعه یا مذاکره باشیم، یا فرصت نمایندگی را برای کارهای غیر نمایندگی مغتنم بشماریم. من عرض می کنم: شغل نمایندگی، اعزّ از مشاغل دیگر و قیمت وقت مجلس، حتی از تحصیل علم بالاتر است؛ چه رسد به تحصیل مال یا تأمین آتیه! در داخل مجلس، همه اهتمام باید به کاری باشد که در صحن مجلس یا در داخل کمیسیون می گذرد. این، اساس قضیه است. حضور باید تأمین باشد و حتماً همه در مجلس حاضر باشند؛ مگر این که اضطراری باشد. خدای متعال هم در نماز و روزه، اضطرار را به شکلی قبول فرموده است. آن، بحث دیگری است. در غیر موارد اضطراری، همه نمایندگان در سر مأموریتشان حاضر می شوند؛ در حالی که استراحت کرده اند و برای لایحه مورد بحثشان، پیش مطالعه کرده اند و آماده اند که راجع به لایحه دولت یا طرحی که در مجلس مطرح است، منصفانه، از روی کمال بینش و دقت و با استفاده از نظرات کارشناسی، نظری بدهند و تصمیمی بگیرند. باید مجلس این گونه باشد. یک دقیقه از وقت این مجلس نباید هدر برود. این قبیل مسائل، جزو شؤون نمایندگی مجلس و چیزهایی است که عزت، عظمت و قرار گرفتن مجلس در موضع حکمت، وابسته به اینهاست، که اگر این رعایت نشود، مجلس از آن پایگاه خواهد افتاد.

خوب، بحمدالله حالا مجادلات بیخودی و پوچ در مجلس نیست. امروز بحمدالله مجلس به این مسائل توجه دارد. وقت مجلس باید به طور کامل صرف شود؛ زیرا به همین خاطر است که نماینده، نماینده است. خوب؛ این هم البته در دنباله این قضیه است که تا آخرین روز نمایندگی، شما نماینده هستید. سال آخر نمایندگی، با سال اول هیچ



فرقی ندارد. حالا ما وارد سال آخر می شویم. جلسات سال آخر هم باید از همه جهت، مثل جلسات سال اول باشد. انسان باید با خدا معامله کند و خدای متعال هم آنچه را که مصلحت است تأمین می کند. حالا اگر خیلی هم دلمان بخواهد نماینده شویم، بالاخره باز هم سر و کار با خداست و او بهتر از دیگران می تواند این کار را صورت دهد و به انجام رساند.

غرض؛ بایدها و نبایدهایی هست که من حالا دو، سه مورد از آنها را عرض کردم. خود آقایان، بحمدالله، بدون این که لازم باشد بنده عرض کنم، به این خصوصیات واقفید. بحمدالله اوضاع کشور، در حال حرکت و پیشرفت است. این، برای همه، خبر خیلی خوشی است. ما در حال رکود و عقبگرد نیستیم. این مطلب خیلی مهمی است. البته رکود و توقف هم، به معنای عقبگرد است. کشور، بحمدالله در حال سازندگی است. همه جای کشور نشانه سازندگی مشهود است. فعالین کشور - بخصوص دولت خدمتگزار - همه در حال تلاشند که کارهایی را انجام دهند. مجلس هم در جایگاه و سنگر خودش، این سازندگی، نوسازی، پیشرفت، توسعه و رشد اقتصادی را برنامه ریزی می کند، پیش می برد و قانون می دهد. بحمدالله همه مشغولند. از لحاظ سیاسی وضع ما خوب و از لحاظ اقتصادی در حال تحول، حرکت و پیشرفت است. از لحاظ فرهنگی و اخلاقی، بیداری بر کشور حکمفرماست. از همه بخشها مهمتر و خطرناکتر، همین بخش فرهنگی و اخلاقی است. دشمن متوجه این بخش است. خوب؛ ما در سنگرمان بیداریم. نفس همین که ملتی بیدار باشد، خبر خوبی است. دشمن هم با این وضع نخواهد توانست هیچ کار مؤثری نسبت به این کشور و انقلاب و این ملت انجام دهد. تهدید می کنند؛ تشر می زنند؛ گاهی اوقات مثلاً - فرض بفرمایید - با کارهای نمایشی، مثل حضور نظامی و تعیین یک ناوگان برای فلان جا - که در واقع اینها با گذشته چندان تفاوتی نمی کند قیافه ابرقدرتی می گیرند. خوب؛ اینها حضور غاصبانه ناحق و زورگویانه خودشان را داشتند. می خواهند وانمود کنند که ما در برخورد با مثلاً - فرض کنید - مخالفین خودمان (عمده نظر هم به اسلام، بیداری اسلامی، نهضت اسلامی و پیشرو این نهضت، یعنی نظام جمهوری اسلامی و دولت و ملت ایران است) جدی هستیم.

این کارها را می کنند؛ اما در واقع ارزش و اهمیتی ندارد. برای ملتی که به خود متکی و به خدا مؤمن است، سنگینی ای ندارد. مگر آمریکا در طول این شانزده سال، شده است که بتواند کاری علیه این ملت بکند و نکند؟! مگر می توانند هر وقت هر تصمیمی خواستند بگیرند؟! بالاخره ضرورتهایی در دنیا هست؛ مشکلاتی در دنیا هست. به فضل پروردگار، واقعیهایی موجود، چیزهایی را بر دشمن ما تحمیل می کند. اینها تا آن حدی که توانستند، فشار آوردند. خوب؛ موفق نشدند و بعد از این هم موفق نخواهند شد. این ملت بیدار است. این ملت پایبند به ایمان خود است. این ملت بحمدالله، روش و حرکت و پیشرفتش، هنوز بسیار فراتر از تحلیلهای دشمنان است. ما در تحلیلهای و اظهارنظرهایشان می بینیم که چقدر نسبت به فهم واقعیات این کشور، بر خطا و در غلط و اشتباه هستند. خوب؛ همان تحلیلهای و تصمیم گیریهای خطا را به آنها املا می کنند و تصمیم گیری خطا هم، شکست را بر آنها تحمیل می کند. لذا، پشت سر هم شکست می خورند؛ چون ملت، انقلاب و کشور ما را نمی شناسند. خدای متعال اراده کرده است که پرچمش در اهتزاز بماند و دینش عزت پیدا کند. چرا؟ چون مؤمنین به این دین کمر بسته اند. این، سنت خداست. مال زمان ما هم نیست. در هر زمانی که عده ای از مؤمنین به اقامه دین کمر ببندند، خدا به آنها توفیق خواهد داد. این، وعده صریح قرآن و سنت لایتغیر الهی است. امروز عده ای به اقامه این دین، برافراشتن پرچم دین و تحکیم احکام و قوانین آن کمر بسته اند؛ خدای متعال هم اراده اش بر این قرار گرفته است که این خواست را منجز و دست دشمن را کوتاه کند و کوتاه هم خواهد کرد. نگرانی ندارد که کسی در گوشه و کنار، نگران این مسائل باشد. بحمدالله، کشور در حال عزت کامل، در جهت اعتزاز بیشتر و به سمت اهداف الهی، در پیش است. هر کس مشغول انجام وظایف خود است. در این مجموعه، تلاش مقدس و مجاهدت آمیز است. مجلس هم، بحمدالله، مشغول است.

خداوند به همه شما برادران و خواهران عزیز توفیق دهد، زحمات شما را قبول فرماید و تلاشهایتان را مستوجب اجر و ثواب وافر خود قرار دهد. خداوند، نیتهای خالصی را که بحمدالله در جمع شما وجود دارد، برکت بخشد و منشأ آثار



فراوان قرار دهد و همه ما را موفق گرداند که بتوانیم با این کارها، قلب مقدّس ولی عصر ارواحنا فداه را از خودمان راضی کنیم.
والسّلام علیکم ورحمة الله و برکاته.